

و اینک انقلاب

مدت ها از آخرین دیدار محمد خاتمی رئیس جمهور ایران با دانشجویان می گذرد. دیگر از مصاحبه های پُرطمطراق مطبوعاتی او هم خبری نیست. همان شعارهای پوشالی که بیست میلیون رأی برای او به ارمغان آورده بودند، بسیار زود طناب داری شدند برای اعتبار منتخب بودنش. زمانی که دیگر نمایش دست های بسته، چاره ساز نبود و نقاب ها کنار رفتند، چهره ای نمایان شد که نه به گفتگوی تمدن ها، عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد دولتی و... می خورد و نه به صدها وعده وعید رنگارنگ دیگر. اتوبوس های بین شهری هم چون پس از اتمام یک نمایش تاتر، سن هایی خالی بودند از بازیگر متبحری که شکلک مردمی بودن را در می آورد.

تربییون های دانشگاه نیز به همین سرنوشت دچار شدند، چرا که دیگر با سوت و کف از خاتمی محبوب استقبال نمی کردند، دانشجویان با کنجکاوی های نابجا، لکه های کارنامه ی عملکرد او را پُررنگ تر می ساختند. اما باز هم با تمام این رسوای ها زبان های دیگری منجی رئیس جمهور شدند، همپالگی هایش، دانشگاه و مطبوعات را از اراجیف موانع خیالی پیش پای رئیس جمهور محبوب آباد کرده بودند.

چندان زمانی نگذشته است که از یادمان برود، آن همه نشست و جلسات سخنرانی اصلاح طلب ها را، بخصوص در جمع دانشجویان، که به هر نحو سعی داشتند به ما بقبولانند که نسل پدیده ی انقلاب منقرض شده است و اصلاح رژیم تنها راهکار آسمانی مشکل ناپسامانی کشور است. پشتوانه ی تنوری این اصلاح هم شد اعجوبه ای موسوم به «مردم سالاری دینی» که در کارخانه ی اصلاح طلبی از ترکیب دو نقیض اختراع شده بود که البته دچار همان سرنوشت بسیاری دیگر از تنوری های پوسیده ی نظام سرمایه داری شد و در زباله دانی تاریخ مدفون گشت.

در این شش سال حوادث بسیاری رخ داد تا نتیجه اش بر چیده شدن بساط اصلاح طلبی شود. از سرکوب دانشجویان و کشتار وحشیانه ی کارگران ناراضی گرفته تا بالا رفتن آمار فحشاء، جنایت و بی خانمانی های کارتن خواب.

امروز نه تنها خاتمی که دیگر حتی جسورترین افراد چپ نظام هم با تردید در جمع دانشجویان حاضر می شوند. تجربه هایی که اخیرا با حضور در دانشگاه ها کسب کرده اند بر آن ها مسجل کرده است که نسل جدید، به هیچ وجه بر دلایل مضحک دولت خاتمی و نمایندگان مجلس هفتم در کوتاهی نسبت به شعار فریبنده ی دموکراسی واقعی نمی نهند و دیگر برای داستان های دنباله دار استعفاء، تحصن، تحریم و خروج از حاکمیت خواننده ای پیدا نخواهد شد.

پس از یک رکود طولانی در جنبش دانشجویی، باز هم جنبش در مسیر رشد و پویایی گام گذاشته است، دانشجویان در انتقاد از سیاست های اصلاح طلبی به نتیجه ی بسیار با اهمیتی رسیده اند، آن ها در جستجوی جایگزینی برای

رژیم جمهوری اسلامی هستند. حقیقت انقلاب از پس هشت سال فریب توده ها با تن دادن به سیاهی، روشن تر از پیش می درخشد. بزرگ ترین دست‌آورد تجربه ی حکومت جنایتکار اسلامی در همه ی اشکانش، چه چپ و چپ راست، فروزان گشتن دوباره ی راهکار انقلاب در آذهان توده های ستمدیده است.

اینک نسل سومی هایی که پرورده ی دست های همین رژیم هستند، بی پروا به بر اندازی آن می اندیشند. آن ها با اطمینان، از فریب خوردن والدینشان با گزینش جمهوری اسلامی در انتخابات فروردین ۵۸ صحبت می کنند و دیگر «اسلام عزیز»! را نمی خواهند. تنورسین های جمهوری اسلامی نیز به خوبی متوجه این دگر دیسی افکار عمومی شده اند که حال دیگر صحبت از اصلاح حکومت نیست، این بار اساس نظام توسط توده ها نفی شده است و با این وجود در نظر سران رژیم تنها با بازگشت به تحجر قبل از دوران رفورمیستی می توان حفظ قدرت کرد.

انتخابات مجلس هفتم بی شک فصلی نوین در مبارزات انقلابیون باز خواهد کرد، از این پس مرز میان خودی ها و غیر خودی ها، اعتقاد بر لزوم حیات نظام جمهوری اسلامی می شود و حتی اگر رژیم نسبت به کل جمعیت یک درصد موافق داشته باشد، با کشتار و سرکوب اکثریت سعی در حفظ قدرت می کند. در نتیجه مبارزه ی که پیش رو است، با وجود یکپارچگی جدید نظام مسلماً باید زیرزمینی شکل بگیرد.

با فرو رفتن تصاعدی توده ها زیر خط فقر و بحران هایی که از جانب اقتصاد سرمایه داری مدام دامان مردم را می گیرد، آرمان عدالت اجتماعی در مبارزه برجسته تر خواهد شد. به همین جهت گذشته از اهمیت تفکر لزوم سرنگونی

رژیم، این جا رسالت حقیقی یک سوسیالیست انقلابی آشکارا جهت دادن به مشیت هایی است که در مخالفت با رژیم بلند شده اند اما عصیانشان از پشتوانه‌ی هدف انقلابی مبارزه طبقاتی تهی است.

ترویج سوسیالیسم به عنوان انسانی‌ترین شیوه‌ی اداره‌ی روابط اجتماعی مهم‌ترین وظیفه‌ی امروز ماست برای حفظ مبارزه از آفت ناسیونالیسم که فرصت طلبان با استفاده از آن سعی در انحراف توده‌ها و کسب قدرت از قبل آن را دارند.

صف بندی طبقاتی، مبارزه‌ی طبقاتی

سرنگون باد نظام منحن سرمایه داری

زنده باد سوسیالیسم

رُزا جوان

سوم اسفند هشتاد و دو

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری